

## بسم الله الرحمن الرحيم

تهران جمعه ۲۲/۱۲/۵۹

استاد و رهبر بزرگوار

سلام عليكم ورحمة الله وبركاته

سنگینی وظیفه فرزندان را بر آن داشت که این نامه را به حضورتان بنویسد و حقایق را به عرضتان برساند.

دوگانگی موجود میان مدیران کشور بیش از آن که جنبه شخصی داشته باشد، به اختلاف دو بینش مربوط می‌شود. یک بینش معتقد و ملتزم به فقاقت و اجتهاد، اجتهادی که در عین زنده بودن و پویا بودن، باید سخت ملتزم به وحی و تعهد در برابر کتاب و سنت باشد، بینش دیگر در پی اندیشه‌ها و برداشت‌های بینابین، که نه به کلی از وحی بریده است و نه آن‌چنان که باید و شاید در برابر آن متعهد و پای‌بند، و گفته‌ها و نوشته‌ها و کرده‌ها بر این موضع بینابین گواه.

بینش اول در برابر بیگانگان و هجوم تبلیغاتی و سیاسی و اقتصادی به نظام سخت به توکل بر خدا و اعتماد به نفس و تکیه بر توان اسلامی و پرهیز از گرفتار شدن در دام داوریه‌ها یا دلسوزی‌های بیگانگان معتقد و ملتزم. بینش دیگر، هر چند دلش همین را می‌خواهد و زبانش همین را می‌گوید و قلمش همین را می‌نویسد، اما چون همه مختصات لازم برای پیمودن این راه دشوار را ندارد، در عمل لِرزان و لغزان.

بینش اول به نظام و شیوه‌ای برای زندگی امت ما معتقد است که در عین گشودن راه به سوی همه نوع پیشرفت و ترقی، مانع حل شدن مسلمانان در دستاوردهای شرق یا غرب باشد و آنان را بر فرهنگ و نظام و ارزش اصیل و مستقل اسلام استوار دارد. بینش دیگر با حفظ نام اسلام و بخشی از ارزش‌های آن، جامعه را به راهی می‌کشاند که خود به خود درها را به روی ارزش‌های بیگانه از اسلام و بلکه ضد اسلام می‌گشاید.

بینش اول روی شرایطی در گزینش مسئولان تکیه می‌کند که جامعه را به سوی امامت متقین و گسترش این امامت بر همه سطوح راه می‌برد. بینش دیگر بیش‌تر روی شرایطی تکیه می‌کند که خود به خود راه را برای نفوذ بی‌مبالات‌ها یا کم‌مبالات‌ها در همه سطوح مدیریت امت اسلامی و حاکم شدن آنها بر سر نوشت انقلاب هموار می‌سازد.

شاید برای شما شنیدن این خبر تلخ و دشوار باشد که بسیاری از کسانی که در طول سال‌های اخیر در راه حاکم شدن اسلام اصیل بر جامعه ما کوشیده و رنج‌ها برده‌اند و در طول این سال‌ها به مقتضای طبیعت و ماهیت نظام اداری رژیم شاهی، در همهٔ سازمان‌های لشکری و کشوری همواره در اقلیت بوده و زیر فشار اکثریت غرب‌گرا یا شرق‌گرای حاکم بر این سازمان‌ها به سر برده‌اند، هم‌اکنون در جمهوری اسلامی هم، که امام در رأس آن است و تنی چند از فرزندان امام نیز بخشی از مسئولیت‌ها را به عهده دارند و مردم عزیز ما نیز در صحنه‌ها حضور دارند، دوباره تحت فشار همان اکثریت قرار گرفته‌اند.

این اقلیت مؤمن، که اگر حمایتش کنند می‌رود که اکثریت شود، امروز ذلت و خذلان مؤمنان را در جمهوری اسلامی با پوست و گوشت و استخوان لمس می‌کنند که با چماق ارتجاع می‌کوبندشان و با کارشکنی‌های رنگارنگ سد راه حرکت اسلامی و اصلاحی آنها می‌شوند؛ با استظهار به ستون پنجم دشمن که در همهٔ این سازمان‌ها جا خوش کرده‌اند و با اطمینان به حمایت گروهی از مسئولان امروز و دیروز...

اگر این دو بینش در ادارهٔ امور جمهوری اسلامی ادامه یابد، نه کارهای جاری مردم سر و سامان پیدا می‌کند، نه مشکلات موجود دینی، فرهنگی، اخلاقیات اجتماعی و اقتصادی این مردم رنج‌دیده و محروم و ایثارگر با سرعت و قاطعیت کافی حل می‌شود، و نه می‌توان برای آینده طرح‌های اصیل اسلامی ریخت و به مرحله عمل درآورد...

نظر ما این است که رشد کمی و کیفی دارندگان بینش اول (اسلام فقاهتی و خط اصیل امام) به لطف الهی امروز به آن درجه رسیده است که نهادهای لشکری و کشوری به وسیله صاحبان این نوع بینش اداره شود و اداره جمهوری اسلامی بر پایه یک بینش استوار گردد.

برادران گفتند که نوارهای مربوط به سخنان رئیس‌جمهور در اصفهان را خدمتتان داده‌اند که دانش‌آموزان و کارمندان را به مقاومت در برابر اقدامات دولت که با نظرات شخصی رئیس‌جمهور منطبق نیست، تشویق می‌کند. نوارهای مربوط به ارتباط مستقیم برخی از کارگردانان اعتصاب اخیر شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه با دفتر رئیس‌جمهور و آقای زنجانی، دستیار رئیس‌جمهور نیز در اختیار مسئولان قضایی است.

با کمال تأسف، نواقص موجود در این انجمن‌های اسلامی و برخی از اعضای آنها و نفوذ عناصر ناخالص در این انجمن‌ها و نهادها را وسیله‌ای برای سرکوبی کل نهادها و خارج کردن آنها از صحنه قرار

داده‌اند تا همین چند قدم کوتاه نیز که در راه حاکمیت اسلام بر سازمان‌های لشکری و کشوری جلو رفته‌ایم، خنثی شود.

امروز در بیش‌تر دستگاه‌های نظامی و انتظامی و مؤسسات و سازمان‌های دیگر، جریان‌هایی می‌گذرد که عناصر متدین و دلسوخته را بسیار افسرده کرده و می‌کند. این‌ها احساس می‌کنند به جرم این‌که در راه حاکم شدن اسلام تلاش کرده و با مخالفان حاکمیت اسلام بر ارتش و شهربانی و ژاندارمری و نهادهای دیگر دولتی درگیری و ستیز داشته‌اند، امروز در جمهوری اسلامی با حمایت رئیس‌جمهور و همفکران ایشان در جبهه ملی و نهضت آزادی و با همدستی خلقی‌ها همه‌جا سرکوب می‌شوند و می‌روند که به سرنوشت مؤمنان در جنگ اصحاب اخدود دچار گردند؛ وَمَاتَقَمُوا مِنْهُمْ إِلَّا أَنْ يُؤْمِنُوا بِاللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ.

### امام عزیز،

به خدا سوگند تحمل این وضع برای این فرزندان بس دشوار است که چهره افسرده این‌ها را ببینم و ندای یالمسلمین آنها را بشنوم و تنها پاسخ این باشد که صبر کنید. من هم صبر می‌کنم و فی العین قذی و فی الحلق شجی.

این روزها مکرر با خود می‌اندیشم که ای کاش زیر بار این مسئولیت سنگین که با تأکید بر عهده‌ام نهاده‌ام نبودم، تا می‌توانستم به کمک آنها لااقل فریادی بر آورم، زیرا فریاد از یک طلبه زبینه است اما از یک مسئول انتظار اقدام می‌رود، نه فریاد و اگر اقدام کنم با این شائبه جگرسوز روبرو می‌شوم که دفاع از مظلومان نیست، جنگ قدرت است میان سران، از روی هواها.

با استفاده از حمایت‌های مکرر شما اینک همه نهادها کوبیده می‌شوند، مجلس، دولت، دستگاه قضایی و نهادهای انقلاب؛ و هرچند در کوبیدن این‌ها موفق نشده‌اند، ولی نه خطرشان را می‌توان نادیده گرفت، نه ضررشان، که همه را از خدمت گسترده‌تر به مردم محروم و ایثارگرمان بازمی‌دارند.

آقای رئیس‌جمهور در کارنامه‌شان که پریروز به صورت سرمقاله در روزنامه‌شان منتشر شده، رسماً دستگاه قضایی را به ایجاد یک بلوای جدید در جامعه تهدید می‌کند که اگر دستگاه قضایی بخواهد ایشان را با کسانی که در حوادث روز چهاردهم اسفند دانشگاه تهران زخمی و مصدوم شده و در داسرای تهران از ایشان شکایت کرده‌اند، از نظر رسیدگی قضایی در دو کف مساوی بگذارد، از ریاست‌جمهوری کناره‌گیری

خواهد کرد؛ آیا ایشان خواهان آن نوع دستگاه قضایی هستند که اگر کسی از رئیس‌جمهور شکایت کرد با دو طرف شکایت یکسان رفتار نکند؟

لازم است به اطلاع حضرتعالی برسانم که طبق سندی که به مقامات قضایی داده شده و مربوط به دستور کار مراسم چهاردهم اسفند است، صریحاً گفته شده است که اگر درگیری پیش آید، مأموران انتظامی موظفند افرادی را که دستگیر می‌کنند، به گارد ریاست‌جمهوری تحویل بدهند.

ما در دیدار روز دوشنبه یازدهم اسفند در منزل آقای موسوی اردبیلی آنقدر با محبت و گرمی با ایشان برخورد کردیم و در حل مشکل وزیران دارایی و بازرگانی جلورفتیم که امید داشتیم بر تفاهم‌ها افزوده شده است و هرگز باور نمی‌کردیم که آقای بنی‌صدر سه روز بعد از این دیدار چنین رفتاری از خود نشان خواهند داد.

امام بزرگوار،

به حکم وظیفه عمومی النصیحه لائمة المسلمین، عرض می‌کنم:

۱- در ماه‌های اخیر صدای پای آمریکای توطئه‌گر و همدستان و هم‌داستانان او گسترده‌تر از پیش شنیده می‌شود.

۲- دنباله زنجیره‌وار توطئه‌های غرب و شرق که متأسفانه خود را پشت سر رئیس‌جمهور پنهان کرده‌اند، بیش از پیش نمایان است.

۳- پناه دادن رئیس‌جمهور به مخالفان حاکمیت اسلام، عرصه کار را بر همه کسانی که شب و روز در این راه تلاش کرده و می‌کنند، روزبه‌روز تنگ‌تر می‌کند.

۴- در تلاش‌های اخیر رئیس‌جمهور و همفکران او این نکته به خوبی مشهود است که برای حذف مسئله رهبری فقیه در آینده، سخت می‌کوشند. این‌ها در مورد شخص جنابعالی این رهبری را طوعاً یا کرهاً پذیرفته‌اند، ولی برای نفی تداوم آن سخت در تلاشند. در سخنان اخیر آقای مهندس بازرگان در امجدیه در برابر شعار «دروغ بر منتظری امید امت و امام»، این مطلب به خوبی مشهود است.

۵- ما از همان آغاز در پی آن بودیم که میدان عمل سازنده چنان فراخ و گسترده باشد که امثال آقای بازرگان و آقای بنی‌صدر و آقای یزدی در سطوح بالا فعالیت داشته باشند. در آبان سال گذشته، پس از استعفای دولت موقت پیام دادید که قم بیایم تا مسئله فوری اداره کشور در خدمتتان بررسی شود، صحبت از

ترکیب جدید شورای انقلاب بود، نظر حضرت تعالی این بود که آقای مهندس بازرگان دیگر در شورای انقلاب نباشد. بر اساس همین اعتقاد به شرکت خلاق هر چه بیشتر نیروها و نقی هر نوع تنگ نظری و انحصار طلبی، پیشنهاد کردیم که ایشان همچنان در شورای انقلاب بمانند و سرانجام حضرت تعالی هم موافقت کردید و در همین مرحله بود که مسئولیت دو وزارتخانه مهم - وزارت دارایی و وزارت امور خارجه - به آقای بنی صدر داده شد. اینها و نظایر اینها دلیل روشنی است بر این که شرکت فعال این آقایان در اداره امور کشور مطلوب ما بوده است و با آنها هیچ مسئله شخصی نداریم.

۶- بنابراین اختلاف این آقایان با ما بیش از هر چیز به مسائلی مربوط می شود که برای حضرت تعالی و ما و همه نیروهای اصیل اسلامی یکسان مطرح است. این اختلاف به خصوص در مورد رعایت یا عدم رعایت کامل معیارهای اسلامی در گزینش افراد برای کارها و در برخورد قاطع با جریانهای انحرافی است. خود شما به یاد دارید که اینها در مورد آقای امیر انتظام و آقای فرید و تأکید جنابعالی بر کنار گذاردن آنها، چگونه عمل کردند.

۷- برای حضرت تعالی در مقام رهبری روشن است که اگر این دو بینش در اداره امور جمهوری اسلامی ادامه یابد، نه کارهای جاری مردم سر و سامان پیدا می کند، نه مشکلات موجود دینی و فرهنگی، اخلاقی، اجتماعی و اقتصادی این مردم رنج دیده و محروم و ایشارگر با سرعت و قاطعیت کافی حل می شود، و نه می توان برای آینده طرحهای اصیل اسلامی ریخت و به مرحله عمل آورد.

۸- برای این که نقطه نظرهای تفصیلی بینش اول در همه زمینه های معنوی، اخلاقی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، دفاعی و سیاسی باصراحت کامل روشن شود، ما این نقطه نظرها را تنظیم و منتشر کردیم، تا برای امت و امام، اصول برنامه پیشنهادی صاحبان بینش اول برای اداره امور جمهوری اسلامی برپایه قانون اساسی روشن باشد.

۹- نظر ما این است که رشد کمی و کیفی دارندگان بینش اول به لطف الهی به آن درجه رسیده است که نهادهای لشکری و کشوری به وسیله صاحبان این نوع بینش اداره شوند و اداره جمهوری اسلامی بر پایه یک بینش استوار گردد.

۱۰- با همه این احوال، چندی است که این اندیشه در این فرزندان و برخی برادران دیگر، قوت گرفته که اگر اداره جمهوری اسلامی به وسیله صاحبان بینش دوم را در این مقطع اصلاح می دانید، ما به همان

کارهای طلبگی خویش پیردازیم و بیش از این شاهد تلف شدن نیروها در جریان این دوگانگی فرساینده نباشیم.

این بود خلاصه‌ای از آنچه لازم دانستم با آن پدر بزرگوار و رهبر عزیز در میان بگذارم تا مثل همیشه با تصمیم پیامبرگونه‌تان راه را برای ما و همهٔ مردم مشخص کنید و دعایم این است که: خدایا امام عزیزمان را در این تصمیم‌گیری‌های دشوار یار و رهنما باش.

با بهترین درود در پایان

فرزندتان - محمد حسینی بهشتی